

## نقش جنسیت در مشارکت اقتصادی و عوامل موثر بر اشتغال زنان در ایران

حسین کاوند<sup>1</sup>

محمدصادق عوضعلی پور<sup>2</sup>

فاطمه زندی<sup>3</sup>

مرجان دامن کشیده<sup>4</sup>

### چکیده

در این مقاله با اتکاء به داده‌های طرح نمونه‌گیری از هزینه-درآمد خانوارهای شهری سال 1385، تصویری از مشارکت زنان سرپرست خانوار در اقتصاد ایران بر اساس برآوردی از نقش آنها در فعالیت اقتصادی خانوارهای شهری ارائه شده است. همچنین، در قالب یک مدل لجستیک نقش جنسیت و سایر مشخصه‌های مهم اقتصادی-اجتماعی سرپرست خانوارها در شانس شاغل شدن آنها مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده در رابطه با برآورد میزان نقش اقتصادی زنان در خانوارهای شهری حاکی از نقش پنهان فعالیت اقتصادی زنان در خانوار می‌باشد. به گونه‌ای که به طور متوسط زنان نسبت به مردان نقش عمده‌ای در مدیریت مخارج خانوار را به عهده دارند. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل لجستیک حاکی از آن است که خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر از شانس بیش تری برای شاغل بودن نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر، خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر و بدون همسر برخوردار هستند. بطور کلی، بر اساس نتایج، اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند، اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیش تری برای شاغل شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این روی نقش بیشتری را در اقتصاد بازی خواهند کرد.

**واژگان کلیدی:** فعالیت اقتصادی زنان، جنسیت، وضع زناشویی، مدل لجستیک.

**Keywords:** Women's Economic Activities, Gender, Marriage State, Logistics Model.

**JEL Classification:** J21, J16, J12, R2.

hossein.kavand@yahoo.com

<sup>1</sup> .دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

Avazalipour@hotmail.com

<sup>2</sup> .دکتری اقتصاد، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران

f22zandi@yahoo.com

<sup>3</sup> .دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد واحد تهران جنوب

m.damankeshideh@yahoo.com

<sup>4</sup> .دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد واحد تهران مرکز

## 1- مقدمه

پدیده فعالیت اقتصادی زنان و همچنین پدیده اشتغال زنان از ابتدای زندگی بشر و بخصوص بعد از انقلاب صنعتی مورد توجه بوده است. به طور معمول فعالیت اقتصادی زنان در بخش های رسمی نظیر صنعت، خدمات و تا حدودی بخش کشاورزی قابل اندازه گیری است و با وجود اینکه اخیراً روش های جدیدی برای محاسبه این موارد ارائه شده است ولی هنوز کاستی هایی وجود دارد و بخش زیادی از فعالیت عمده زنان در ارتباط با کارهای خانگی، تربیت و آموزش فرزندان و ... قابل اندازه گیری نیست. از دیدگاه اقتصادی این گونه فعالیت های ارزشمند نه تنها در کوتاه مدت بلکه در بلندمدت هم در اقتصاد تاثیر گذار است و ارزش مادی و معنوی زیادی را برای جامعه بدنبال دارد.

نقش زنان در اقتصاد ایران نیز اغلب به علت مشکل اندازه گیری در آمارهای رسمی کم رنگ به نظر می رسد. بعلاوه، با توجه به اینکه دستمزد زنان در بخش های غیر دولتی به مراتب پایین تر از مردان است، سهم زنان در محاسبه ی ارزش افزوده کمتر نیز می شود.

در کنار این موضوع، آشنایی بیشتر با نقش بالفعل و بالقوه ی زنان در اقتصاد ایران، نیازمند شناخت ساختار سنی، سطح تحصیلات، وضع زناشویی و چگونگی توزیع آنها در فعالیت های اقتصادی می باشد. علاوه بر این می توان با استفاده از یک سری تقریب ها به نحوی از اهمیت فعالیت اقتصادی زنان در خانه آگاهی پیدا کرد. برای این منظور، به علت محدودیت اطلاعاتی، سعی می شود که در این مقاله فعالیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار محور اصلی تحلیل ها قرار گیرد. به عبارت دیگر آگاهی از وضعیت فعالیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار به نوبه خود می تواند زمینه شناخت بیشتر از اهمیت فعالیت های این گروه و عوامل موثر بر اشتغال آنها را فراهم آورد. این امر می تواند تا حدی زمینه را برای هدایت هدفمندتر برنامه ریزی های مدیریتی، اجتماعی و اقتصادی در جهت کاهش تضاد جنسیتی فراهم نماید.

همچنین، تحولات اخیر در ساختار جمعیتی کشورهای در حال توسعه به ویژه تغییرات اساسی رخ داده در وضعیت و ویژگی های اقتصادی - اجتماعی نیروی کار زنان این کشورها، سبب شده است که نقش زنان هم از جنبه اقتصادی و هم از جنبه اجتماعی در جامعه روندی متفاوت از قبل به خود بگیرد. در ادبیات مربوط به بررسی وضعیت زنان از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مدل های رگرسیون لجستیکی عمدتاً به عنوان یک ابزار بسیار کارآمد به منظور استفاده از داده های

اجتماعی - اقتصادی مربوط به زنان برای تحلیل عوامل موثر بر فعالیت‌های آنها معرفی شده‌اند. به عنوان مثال، بکر<sup>1</sup> (1991) و چرلین<sup>2</sup> (2000) نشان داده‌اند که تغییرات رخ داده در مشخصات و ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان سبب شده است تا با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان، نقش وضعیت اقتصادی مردان جوان در روند ازدواج و تشکیل خانواده به مراتب کاهش یابد و عوامل دیگری در شکل‌گیری ازدواج جوانان اهمیت ویژه پیدا کند. یورویچ<sup>3</sup> (2010) با استفاده از یک مدل لجستیک سعی کرده است نشان دهد که تمایل مردان و زنان جوان برای انجام اولین ازدواجشان تا چه حدی تحت تاثیر وضعیت اقتصادی با ثبات مردان و نیز استقلال اقتصادی زنان قرار گرفته است. او نشان می‌دهد که نرخ مشارکت اقتصادی زنان روند رو به رشد داشته که این امر به شدت متاثر از بهبود سطح تحصیلات و سایر ویژگی‌های زنان بوده است. این امر سبب شده که با تقویت استقلال اقتصادی زنان، سن اولین ازدواج آنها نیز افزایش یابد.

لوسیدیلو و دیگران<sup>4</sup> (2010) نیز با توسل به یک مدل لجستیک ارتباط بین متغیرهایی نظیر سطح تحصیلات، وضع زناشویی، منطقه سکونت و مذهب زنان ساکن در منطقه‌ای از کشور تانزانیا را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که در کشور تانزانیا، متغیرهایی نظیر منطقه سکونت زنان اثر مثبت و معناداری بر افزایش شانس شاغل بودن زنان و شرکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی داشته، در حالی که متغیرهای سطح تحصیلات و مذهب دارای اثر معناداری نمی‌باشند.

علیرغم اینکه هنوز نرخ مشارکت زنان در کشور آفریقای جنوبی نسبت به مردان کمتر است، اما یاکوبو<sup>5</sup> (2010) با استفاده از یک مدل رگرسیون لجستیکی نشان داده که این نرخ برای زنان آفریقای جنوبی به خاطر بهبود چشمگیر مشخصه‌های اجتماعی - اقتصادی آنها، افزایش قابل توجهی داشته است و در بین این مشخصه‌ها، سطح تحصیلات زنان نقش قابل توجهی در افزایش نرخ مشارکت آنها داشته است. از نظر اقتصادی یاکوبو ترجیح می‌دهد که این پدیده را به عنوان

<sup>1</sup>. Becker (1991)

<sup>2</sup>. Cherlin (2000)

<sup>3</sup>. Yurovich (2010)

<sup>4</sup>. Losiddilo and et al (2010)

<sup>5</sup>. Yakubu (2010)

افزایش در سرمایه‌انسانی زنان معرفی کند که توانسته است در اشتغال و افزایش فعالیت‌های اقتصادی زنان آفریقای جنوبی نقش بسزایی را ایفا نماید.

در این مقاله سعی شده با استفاده از ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان سرپرست خانوار (داده‌های طرح نمونه‌گیری از هزینه - درآمد خانوار شهری 1385) و معرفی مدل رگرسیونی لجستیکی، ضمن بررسی عوامل مؤثر بر افزایش شانس شاغل بودن زنان سرپرست خانوار در مقابل مردان سرپرست خانوار، نقش جنسیت سرپرست خانوار و سایر عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر شاغل بودن سرپرست یک خانوار شهری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در پایان نتیجه‌گیری ارائه شده است.

## 2- اهمیت فعالیت اقتصادی زنان و مشکلات اندازه‌گیری آن

با توجه به اهمیت نهاد خانوار و نقش سرپرست در تامین نیازهای اصلی اعضای آن از یک سو و از سوی دیگر نقش انکارناپذیر زن در رشد و شکوفایی جوامع، سهم زنان در محاسبات ملی کمتر به چشم می‌آید.

شرمن وود در کتاب دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی بیان می‌کند که «مهم‌ترین پایگاه زن در هر مکانی، میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او بر دارایی و محصولاتی است که تولید می‌کند». بر این اساس، شناخت حجم این مشارکت و تحولات آن در ادوار مختلف تاریخ به شناخت پایگاه زن در جامعه کمک و افزری می‌نماید. برای روشن‌تر شدن اهمیت فعالیت زنان در خانه، می‌توان جایگاه زنان را از طریق سهم آنان در کل ارزش افزوده‌ی جامعه مورد بررسی قرار داد.

برای این منظور، سهم زنان در تولیدات کشور به دو طریق مورد بررسی قرار می‌گیرد<sup>1</sup>:

1) فعالیت‌هایی که در ارزش افزوده‌ی جامعه محاسبه می‌گردند.

با توجه به این که دستمزد زنان در بخش دولتی با دستمزد مردان تقریباً برابر است، اما به طور کلی دستمزد زنان در سطح کلان اقتصادی در مقایسه با مردان به مراتب پایین‌تر است. لذا، سهم زنان در محاسبه‌ی ارزش افزوده کمتر خواهد بود. این امر در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری

<sup>1</sup>. نگاه کنید به پایان‌نامه امین رشتی

برخوردار است. به عبارتی می‌توان بیان داشت که پایین بودن سهم زنان در تولید ناخالص داخلی (GDP) به دو دلیل عمده می‌تواند رخ دهد: اول کم بودن سهم اشتغال زنان در کل شاغلین رسمی کشور و دوم پایین بودن دستمزد زنان.

2) فعالیت‌هایی که در ارزش افزوده‌ی جامعه محاسبه نمی‌گردند و خود شامل دو بخش است:

الف) تولیدات کالاها و خدماتی که در خانوار تولید شده و مورد مصرف خانوارهای دیگر قرار می‌گیرند ولی معمولاً به دلیل این که از بازارهای رسمی عبور نمی‌کنند، کمتر در تولید ناخالص داخلی (GDP) و حساب‌های ملی انعکاس پیدا می‌کنند. به عنوان مثال مربا، شربنی، ترشی و ... که خانم‌ها تولید نموده و به طرقتی به فروش می‌رسانند، از این نوع هستند. این فعالیت‌ها حجم بزرگی را در بر دارند که می‌توانند در صورت محاسبه، سهم عمده‌ای را در ارزش افزوده به خود اختصاص دهند.

ب) خدمات و تولیدات خانگی که توسط خانوار تولید شده و در همان خانوار مصرف می‌شود ولی در محاسبات ملی منظور نمی‌گردد<sup>1</sup>.

در این راستا می‌توان به فعالیت‌های خانه‌داری زنان نظیر تربیت کودکان، مراقبت از بیمار و ... که در حساب‌های ملی در نظر گرفته نمی‌شوند اشاره کرد. به علاوه، زنان شاغل که در بیرون از خانه اشتغال دارند دارای دو شغل هستند و کار منزل نیز به عنوان جزء لاینفک از وظایف زن، همواره به عهده او می‌باشد بدون این که در GDP منظور شود. این عوامل سهم زیادی در جهت پایین تر نشان دادن سهم مشارکت زنان در کشورهای در حال توسعه دارند.

### 3- مبانی نظری و یک تجربه از ایران

در این زمینه برای اولین بار پرفسور گری بکر<sup>2</sup> (1979) مدلی را ارائه نمود که به کمک آن این امر بهتر قابل درک و اندازه گیری می‌باشد. این الگو به تابع تولید خانوار شهرت دارد.

تا دهه‌ی 60 میلادی مدل رفتار مصرفی افراد بر اساس کالاهایی طراحی می‌شد که از طریق بازار تهیه می‌گشت. به عبارتی در مدل سنتی، مطلوبیت تابعی بود از تک تک کالاهایی که فرد از بازار

<sup>1</sup>. Home Production

<sup>2</sup>. Becker (1997)

به طور مستقیم تهیه می کند و مورد مصرف قرار می دهد:  $U = U(X_1, X_2, \dots, X_n)$  که در آن  $U$  تابع مطلوبیت و  $X$  ها کالاهای خریداری شده از بازار هستند. گری بکر در مقاله ای که اولین بار در سال 1965 ارائه نمود، چنین عنوان کرد که در واقع هیچ گاه مردم و خانوارها کالاهایی را که از بازار خریداری می کنند به طور مستقیم مصرف نمی کنند، بلکه آنچه که مورد مصرف مستقیم قرار می گیرد کالاهای ترکیبی است، سپس تابع مطلوبیت را به صورت زیر مطرح نمود:

$U = U(C_1, C_2, \dots, C_n)$ . در واقع هر یک از این  $C$  ها می توانند از تلفیق چند کالا تشکیل شده باشند. برای مثال غذایی که در منزل پخت می شود، شامل کالاهای مختلفی است که از بازار خریداری می گردد و با ترکیب آنها با یکدیگر و صرف وقت، به یک غذای قابل مصرف تبدیل می شود و یا اتومبیلی که فرد استفاده می کند به تنهایی مطلوبیت ایجاد نمی کند، بلکه با تلفیق وقت راننده، بنزین، روغن و ... می توان از آن استفاده مطلوب کرد. به این ترتیب، می توان گفت که کالاهای ترکیبی کالاهای تولیدی هستند که با ترکیب و استفاده از کالاهای مختلف حاصل می شوند و می توان نوشت:  $C_i = C_i(X_1, X_2, \dots, X_n, T_i)$  که در این جا  $X$  ها کالاهایی هستند که از بازار تهیه می شوند و  $T_i$  زمان مورد نظر برای تولید کالای  $C_i$  است.

بعد ها نیز محققان دیگر از جمله فرار<sup>1</sup> (2001) نیز اعلام نمودند که تاکید بر درآمد کسب شده از حوزه های رسمی و نگاه به حضور زنان در بازار کار به دلیل نادیده گرفتن کار زنان در بخش های غیر رسمی از جمله در بخش روستایی و کشاورزی و تولید کالا و خدمات در منزل ناقص است و نیاز به تعریف و معیارهای جدید دارد.

با توجه به مطالب فوق می توان قسمتی از کار زنان خانه دار را از طریق این الگو بیان کرد. در واقع خدمات زنان خانه دار نیز می تواند یک کالای ترکیبی باشد که با توجه به کالاهای مختلف و زمان صرف شده، تولید می شود. بر این اساس می توان سهم هزینه ی غذاهای آماده به هزینه های خوراکی را به عنوان برآورد تقریبی از بخش کوچکی از خدمات زنان خانه دار شهری دانست. به عبارت دیگر، هزینه ی غذاهای آماده در بیرون از منزل می تواند برآورد خوبی از هزینه ی تهیه ی غذاهای آماده شده در منزل باشد. از آنجائی که این مبلغ به زنان خانه دار پرداخت نمی شود لذا این

<sup>1</sup>. Farrar (2001)

مورد و برخی فعالیت‌های دیگر زنان خانه‌دار در محاسبات نادیده گرفته می‌شوند و در نتیجه اندازه‌گیری دقیق و درست GDP را با مشکل مواجه می‌کنند.

با توجه به مطالب ارائه شده و داده‌های هزینه و درآمد خانوار در سال 1385، سهم هزینه‌ی غذاهای آماده که در بیرون و یا در داخل منزل استفاده می‌شود در کل مخارج یک خانوار، برای هر خانوار محاسبه شده و سپس بر حسب نوع تقسیم بندی سرپرستان خانوارها در جداول 1 الی 4، میانگین این مقادیر برای هر تقسیم بندی محاسبه و گزارش شده است. مثلاً سطر آخر جدول 1 نشان می‌دهد که میانگین سهم غذاهای آماده در کل مخارج خوراکی برای خانوارهای با سرپرست مرد 65 ساله به بالا و بدون همسر 0,004 است در حالی که میانگین این نسبت برای خانوارهای با سرپرست زن 65 ساله به بالا و بدون همسر برابر با 0,002 می‌باشد.

همچنین بر اساس جدول 1، مشاهده می‌شود که در بین خانوارهای تک نفره، میانگین سهم غذاهای آماده در کل گروه‌های سنی برای مردان 0/01 و برای زنان 0/001 می‌باشد. همچنین به‌طور اجمالی می‌توان سهم کمتر غذاهای آماده برای خانوارهای تک نفره زن را در اکثر گروه‌های سنی مشاهده نمود. با مقایسه‌ی سهم این غذاها در بین خانوارهای بیش از تک نفره با سرپرست مرد و سرپرست زن که با همسر نیز می‌باشند، مشاهده می‌شود که در اکثر گروه‌های سنی سرپرست خانوار، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر، به‌طور میانگین سهم بیش‌تری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص می‌دهند. این پدیده در بین خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر و سرپرست زن بدون همسر نیز قابل پیگیری می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که این تنها قسمت اندکی از هزینه‌های خدماتی است که خانوارها به ندرت در بیرون از منزل انجام می‌دهند و در نتیجه می‌توان عنوان کرد که نقش پنهان زنان در تابع تولید خانوار (و یا اقتصاد خانوار) و به عبارت دیگر نقش فعالیت زنان در منزل بسیار قابل تأمل می‌باشد، به‌ویژه نسبت به کشورهای صنعتی که هزینه‌ی غذاهای آماده و صرف غذا در بیرون منزل سهم عمده‌ای را تشکیل می‌دهد. به‌طور کلی، نتایج این جدول بیان‌کننده اهمیت فعالیت زنان در خانه می‌باشد که عملاً اندازه‌گیری نمی‌شوند.

جدول 1: میانگین سهم غذاهای آماده در کل مخارج خوراکی بر حسب سن سرپرست خانوار

شرح	خانوار تک نفره		خانوار با سرپرست مرد		خانوار با سرپرست زن	
	مرد	زن	باهمسر	بی همسر	باهمسر	بی همسر
کل گروه های سنی	0,01	0,001	0,005	0,004	0,004	0,003
15-19 ساله	0,014	-	0,009	-	-	-
20-24 ساله	0,015	0,01	0,008	-	0,003	-
25-29 ساله	0,011	0,001	0,006	-	0,007	0,003
30-34 ساله	0,015	0,001	0,005	0,006	0,001	0,001
35-39 ساله	0,017	0,0007	0,004	0,005	0,007	0,005
40-44 ساله	0,013	0,014	0,005	0,0	0,005	0,004
45-49 ساله	0,011	0,006	0,004	0,004	0,002	0,005
50-54 ساله	0,015	0,00005	0,004	0,005	0,002	0,006
55-59 ساله	0,003	0,0003	0,005	0,004	0,003	0,002
60-64 ساله	0,001	0,0003	0,006	0,005	0,005	0,002
65 ساله و بیشتر	0,005	0,0004	0,005	0,004	0,007	0,002

منبع: محاسبات تحقیق از طرح نمونه گیری از هزینه درآمد سال 1385

شایان ذکر است که این تنها قسمتی از فعالیت های تولیدی زنان در منزل است. بخش های مربوط به نگهداری و تعلیم و تربیت کودکان خانوار، خدمات شستشو، نگهداری بزرگسالان، بیماران و ... چون در بازار مبادله نمی شوند، در سیستم حساب های ملی متعارف، وارد نمی شوند و بر اساس برآورد فوق انتظار می رود که سهم ارزش این خدمات در کشورهای در حال توسعه ای نظیر ایران بسیار زیاد باشند. این در حالی است که در کشورهای پیشرفته و صنعتی به لحاظ بالا بودن هزینه ی فرصت افراد و نیز به دلیل ورود زنان به بازار کار و امکان دریافت دستمزد در خارج از خانه، بسیاری از فعالیت ها در حساب ها منعکس می شوند، در حالی که در کشورهای با بافت سنتی تر، این ارقام چون در منزل صورت می گیرند، وارد حوزه ی تولید و محاسبات نمی شوند.

جدول 2: میانگین سهم غذاهای آماده در کل مخارج خوراکی برحسب تعداد افراد خانوار

شرح	خانوار با سرپرست مرد		خانوار با سرپرست زن	
	با همسر	بی همسر	با همسر	بی همسر
2 نفر	0,009	0,002	0,004	0,005
3 نفر	0,006	0,004	0,004	0,003
4 نفر	0,005	0,004	0,002	0,005
5 نفر	0,004	0,005	0,007	0,005
6 نفر	0,003	0,005	0,001	0,004
7 نفر	0,002	0,002	0,002	0,001
8 نفر	0,003	0,0	0,0	0,03
9 نفر	0,002	0,0	0,002	0,0
10 نفر و بیشتر	0,003	0,0	0,0	0,0

منبع: محاسبات تحقیق از طرح نمونه گیری از هزینه درآمد سال 1385

بر اساس جدول 2، از ستون‌های دوم و چهارم نیز مشخص می‌شود که بر اساس تعداد افراد خانوار (به جزء خانوارهای 5 نفره)، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر به طور متوسط سهم بیش تری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص می‌دهند.

ممکن است که نتایج فوق در صورتی که از زاویه‌ای دیگر به جداول 1 و 2 نگریسته شود، به گونه‌ای دیگر تفسیر شوند. به عبارت دیگر به علت بالاتر بودن حقوق مردان نسبت به زنان، در مجموع حقوق مردان نسبت به زنان بیشتر بوده و به دلیل اینکه فشارهای مالی بر خانوارهای با سرپرست زن بیشتر از مرد است، در نتیجه این گروه از خانوارها (زنان سرپرست) کمتر از غذاهای آماده استفاده می‌کنند و بیشتر تمایل به استفاده از غذاهای خانگی دارند. این امر در واقعیت نیز مصداق دارد. چرا که با فرض ثبات سایر شرایط، به طور میانگین افراد و خانوارهایی که دارای درآمد بیشتری هستند، در مقایسه با افراد و خانوارهایی که درآمد کمتری دارند، سهم بیشتری از درآمد خود را به غذاهای آماده (به عنوان یک کالای لوکس) اختصاص می‌دهند و این امر با ادبیات اقتصاد خرد نیز کاملاً سازگار است.

جدول 3: میانگین سهم غذاهای آماده در کل مخارج خوراکی بر حسب سطح سواد سرپرست خانوار

خانوار تک نفره		شرح
زن	مرد	
0,003	0,013	باسواد
0,001	0,006	ابتدائی و سواد آموزی
0,006	0,014	راهنمایی
0,003	0,014	متوسطه
0,008	0,02	عالی*
-	0,025	دکتری تخصصی و بالاتر
0,0002	0,004	بی سواد

\* عالی: دوره های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای حرفه ای و دوره های معادل

منبع: محاسبات تحقیق از طرح نمونه گیری از هزینه درآمد سال 1385

جدول 3 نیز حاکی از آن است که در بین خانوارهای تک نفره ی مرد، به طور متوسط افراد باسواد سهم بیش تری از مخارج خوراکی خود را به غذاهای آماده اختصاص می دهند تا مردان بی سواد. این امر در بین خانوارهای تک نفره ی زن نیز قابل مشاهده می باشد. به عبارت دیگر زنان باسواد به علت هزینه ی فرصت کسب درآمد نسبت به زنان بی سواد، سهم بیش تری از مخارجشان را به غذاهای آماده اختصاص می دهند. با مقایسه ی دو ستون اعداد جدول (3)، مشخص می شود که در تمامی دوره های تحصیلی، زنان به طور متوسط نسبت به مردان سهم کمتری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص می دهند و این بیانگر اهمیت فعالیت اقتصادی کار زنان در خانه می باشد.

جدول 4 نیز حاکی از آن است که در بین خانوارهای تک نفره، بر حسب وضع فعالیت، زنان به طور متوسط در همه ی اقسام طبقه بندی مورد نظر سهم کمتری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص می دهند. این پدیده در هنگام مقایسه ی خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر با خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر نیز قابل مشاهده است. همچنین به استثناء سرپرست محصل، در مابقی وضعیت ها، خانوار با سرپرست زن بی همسر سهم کمتری از مخارجش را به غذاهای آماده اختصاص می دهد.

جدول 4: میانگین سهم غذاهای آماده در کل مخارج خوراکی خانوار بر حسب وضع فعالیت سرپرست خانوار

شرح	خانوار تک نفره		خانوار با سرپرست مرد		خانوار با سرپرست زن	
	مرد	زن	با همسر	بی همسر	با همسر	بی همسر
شاغل	0,013	0,006	0,005	0,006	0,002	0,002
بیکار (جویای کار)	0,02	0,0	0,002	0,15	0,002	0,002
دارای درآمد بدون کار	0,006	0,0005	0,007	0,004	0,007	0,002
محصل	0,01	0,01	0,004	-	0,001	0,003
خانه‌دار	0,0	0,0	0,003	0,003	0,002	0,002

منبع: محاسبات تحقیق از طرح نمونه گیری از هزینه درآمد سال 1385

داده‌ها و نتایج فوق حاکی از اهمیت و نقش زنان در جامعه است در حالی که این رقم در GDP منظور نمی‌شود. این امر می‌تواند دلیلی بر کم‌رنگ دانستن فعالیت اقتصادی زنان در حساب‌های ملی به شمار آید.

#### 4- بررسی تکنیکی اثر جنسیت و ویژگی‌های سرپرست خانوار بر اشتغال آنها در

##### بخش رسمی اقتصاد در قالب یک مدل لجستیک

در این بخش سعی شده است تا با استفاده از داده‌های طرح نمونه گیری از هزینه - درآمد خانوار مرکز آمار در سال 1385 و مدل لجستیک، نقش جنسیت سرپرست خانوار و سایر ویژگی‌های قابل اندازه گیری از این طرح بر روی شاغل بودن سرپرست خانوار مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر سؤالی که در این بخش مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که آیا جنسیت سرپرست خانوار می‌تواند نقشی در افزایش احتمال (شانس) شاغل بودن سرپرست خانوار و یا خانه‌دار بودن خانوار با ثبات سایر عوامل داشته باشد؟ این موضوع در سطح داده‌های مربوط به خانوارهای شهری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از نرم افزار Eviews استفاده شده است. هدف این است که نشان داده شود که کدامیک از ویژگی‌های سرپرست خانوار زن می‌تواند احتمال بهبود در اشتغال و نقش اقتصادی آنان در بخش رسمی و قابل اندازه گیری اقتصاد را افزایش دهد. این امر کمک خواهد کرد تا سیاستگذاران اقتصادی عوامل موثر بر شاغل شدن زنان را برای سال‌های آتی با دقت و حساسیت بیشتری مورد توجه قرار دهند، چراکه هر چه اینگونه سیاستگذاری‌ها موثرتر باشند، می‌توان انتظار داشت تا در آینده شانس شاغل شدن زنان نیز افزایش

یافته و به طبع آن نقش اقتصادی آنها در بخش رسمی و قابل اندازه گیری اقتصاد نیز پررنگ تر شود.

#### 4-1- الگوی لجستیک<sup>1</sup>

از آنجائی که داده های مربوط به متغیر وابسته تنها دو مقدار صفر و یک را به خود اختصاص می دهد، لذا بر اساس مبانی نظری دیگر نمی توان با توسل به روش حداقل مربعات معمولی، نقش عوامل مؤثر بر شاغل بودن یا نبودن سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، زمانی که متغیر وابسته تنها دو مقدار یک یا صفر را اخذ می کند می توان نشان داد که مقدار متغیر وابسته بیانگر  $E(Y | X) = P(Y = 1 | X)$  خواهد بود که عددی بین صفر و یک می باشد. لذا استفاده از رهیافت حداقل مربعات معمولی نمی تواند تضمین کند که مقدار برآورد شده برای  $Y$ ،  $\left( \hat{Y} | X \right)$ ، بین صفر و یک بدست آید و علاوه بر آن، مشکلات دیگری نظیر ناهمسانی واریانس و ... نیز وجود خواهد داشت. بنابراین برای رفع چنین مشکلی از تابع توزیع لجستیک استفاده می شود. تابع توزیع لجستیک عبارت است از:

$$P_z(Z < z) = \frac{1}{1 + e^{-z}} = \frac{e^z}{1 + e^z} \quad (1)$$

که در آن وقتی  $z \rightarrow \infty$ ، مقدار احتمال برابر با یک خواهد شد و هنگامی که  $z \rightarrow -\infty$ ، مقدار احتمال برابر با صفر می شود.

برای اینکه بتوان اثر متغیرهای توضیحی را بر روی احتمال اخذ یک ویژگی بدست آورد (با تضمین اینکه مقدار احتمال بین صفر و یک باشد) تابع رگرسیونی را می توان به صورت زیر تصریح نمود:

$$P_i = E(Y = 1 | X_i) = \frac{1}{1 + e^{-(\beta_1 + \beta_2 X_i)}} = \frac{e^{(\beta_1 + \beta_2 X_i)}}{1 + e^{(\beta_1 + \beta_2 X_i)}} \quad (2)$$

<sup>1</sup>. Gujarati (2004)

که در آن  $P_i$  احتمال یک بودن مقدار  $Y$  (برخورداری از ویژگی تعریف شده برای  $Y$ ) برای خانوار  $i$  ام را که دارای خصوصیت  $X_i$  می‌باشد، ارائه می‌دهد. حال اگر تعداد متغیرهای توضیحی بیش از یکی باشد، می‌توان رابطه فوق را با افزودن ضرایب  $\beta_i$  متناظر به این متغیرهای توضیحی بسط داد. برای تفسیر نتایج حاصل از رگرسیون فوق، (تفسیر ضرایب  $\hat{\beta}_i$ )، می‌توان به صورت زیر عمل نمود:

$$1 - P_i = \frac{1}{1 + e^{(\beta_1 + \beta_2 X_i)}}$$

که در آن  $1 - p_i$  بیانگر احتمال برخوردار نبودن خانوار  $i$  ام از ویژگی  $Y$  می‌باشد.

$$\frac{P_i}{1 - P_i} = e^{(\beta_1 + \beta_2 X_i)}$$

نسبت فوق بیانگر نسبت شانس<sup>1</sup> می‌باشد. به عبارت دیگر این نسبت، شانس خانوار  $i$  ام برای برخوردار بودن از ویژگی  $Y$  در مقابل عدم برخورداری از آن را نشان می‌دهد. با گرفتن لگاریتم طبیعی از دو طرف رابطه‌ی فوق، می‌توان نوشت:

$$L_i = \ln\left(\frac{P_i}{1 - P_i}\right) = \beta_1 + \beta_2 X_i \quad (3)$$

که در آن ضریب  $\beta_2$  بیانگر میزان تغییر در لگاریتم شانس برخورداری از ویژگی  $Y$  برای خانوار  $i$  ام است. از آنجائی که تبدیل لگاریتم یک تبدیل یکنواست، لذا اگر این ضریب مثبت باشد، به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که متغیر  $X_i$  شانس برخورداری از ویژگی  $Y$  را برای خانوار  $i$  ام افزایش می‌دهد. هرچه مقدار این ضریب بزرگتر باشد، اثر این متغیر بر افزایش شانس برخورداری از ویژگی  $Y$  برای خانوار  $i$  ام بیشتر خواهد شد (یعنی مقدار  $(\frac{P_i}{1 - P_i})$  را به اندازه اثر نهایی  $\beta_2$

<sup>1</sup>. Odd Ratio

$\beta_2 e$  افزایش می دهد و به تبع آن احتمال  $P_i$  بزرگتر خواهد شد، یعنی احتمال اینکه  $Y_i = 1$  شود بزرگتر خواهد شد). برعکس وقتی این ضریب منفی باشد آنگاه می توان نتیجه گرفت که متغیر  $X_i$  مقدار شانس  $(\frac{P_i}{1-P_i})$  را برای زمانی که خانوار ویژگی  $X_i$  را داشته باشد کاهش می دهد و به تبع آن احتمال  $P_i$  کوچکتر و در مقابل احتمال  $(1-P_i)$  بزرگتر خواهد شد (یعنی احتمال اینکه  $Y_i = 0$  باشد، بزرگتر خواهد شد).  
 رابطه (3) مبنای تفسیر ضرایب رگرسیونی در بخش بعدی قرار خواهد گرفت.

#### 4-2- بررسی عوامل مؤثر بر شاغل بودن سرپرست یک خانوار شهری با استفاده از

##### مدل لجستیک

همان طور که در بخش مقدمه نیز اشاره شد، با استفاده از مدل لجستیک، می توان نشان داد که مشخصه های اجتماعی - اقتصادی یک خانوار تا چه حدی بر شانس دارا بودن یک ویژگی خاص برای افراد مورد بررسی در یک تحقیق موثرند. یکی از مسائل بسیار مهم در بررسی وضعیت فعالیت اقتصادی زنان ایرانی، توجه به عوامل موثر بر وضعیت اشتغال زنان سرپرست خانوارها می باشد. به عبارت دیگر، می توان با بررسی این عوامل ساختار یک اقتصاد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از نحوه جذب و ترکیب نیروی کار در آن اقتصاد مطلع گردید. از جمله متغیرهای مهم و تاثیرگذار بر وضعیت اشتغال سرپرست یک خانوار جنس او می باشد. آگاهی از شدت اهمیت جنسیت بر شاغل بودن سرپرست خانوار می تواند به نوعی بیانگر این باشد که آیا مثلاً سرپرستان زن یک خانوار نیز می توانند به همان اندازه که سرپرستان مرد شانس شاغل بودن را دارند، از این شانس برخوردار باشند؟ علاوه بر جنسیت، بعد خانوار، سن سرپرست خانوار، سطح تحصیلات او، وضع زناشویی سرپرست خانوار و وضعیت اقتصادی او از مهمترین متغیرهای مربوط به ویژگی های اقتصادی - اجتماعی بشمار می آیند. از آنجایی که دسترسی مستقیم به درآمد خانوارها امکان پذیر نیست، سعی شده است که متغیرهایی نظیر لگاریتم کل مخارج خانوار، نحوه تملک خانه و داشتن وسیله نقلیه شخصی به عنوان معیاری از سطح توانمندی اقتصادی خانوار مورد استفاده قرار گیرند. با منظور کردن این متغیرها به عنوان متغیرهای توضیحی مدل، متغیر وابسته ی کیفی (در معادله 2)، بیانگر شاغل بودن سرپرست خانوار (عدد یک) و عدم اشتغال او (عدد صفر)

می‌باشد. به طور خلاصه، متغیرهای زیر به عنوان عوامل مؤثر بر شاغل بودن سرپرست خانوار در نظر گرفته شده‌اند:

$\text{Log}(\text{Texp})$ : لگاریتم کل مخارج خانوار (به عنوان معیاری از سطح درآمد خانوار)

Sex: جنس سرپرست خانوار (مرد=1، زن=0)

Size: بعد خانوار

Age: سن سرپرست خانوار به عنوان معیاری از تجربه کاری او

Degree: وضع تحصیلات (دیپلم و زیر دیپلم=0، فوق دیپلم و بالاتر=1)

Marital: وضع زناشویی (دارای همسر=1، بی همسر=0)

C\_OR\_M: خانوار داری موتور سیکلت یا اتومبیل شخصی می‌باشد=1، در غیر این صورت=0

Residence: نحوه‌ی تملک خانه

جدول 5، نتایج حاصل از برآورد مدل لجستیک را برای داده‌های طرح نمونه‌گیری از هزینه - درآمد خانوار ارائه می‌دهد.<sup>1</sup> در جدول 5، ملاک تصمیم‌گیری در مورد معنی دار بودن اثر متغیرها بر شانس اشتغال سرپرست خانوار، سطح بحرانی 5 درصد تعیین گردید. نتایج حاکی از آن است که سطح درآمد (مخارج) خانوار<sup>2</sup>،  $\text{Log}(\text{Texp})$  و بعد خانوار، Size، دارای اثرات مثبت و معنی‌دار در سطح 5 درصد بر شاغل بودن سرپرست خانوار می‌باشند.

مثبت بودن ضریب سطح درآمد بیانگر این است با افزایش رشد اقتصادی، انتظار می‌رود که سرپرست مرد خانوار شانس بیشتری برای پیدا کردن شغل داشته باشد. بنابراین برای کشورهای در حال توسعه که هنوز انباشت سرمایه در آنها بسیار کمتر از کشورهای توسعه یافته است، انتظار می‌رود که با بکارگیری بیشتر ظرفیت‌های تولیدیشان و افزایش حجم سرمایه‌گذاری، سطح تولید واقعی اقتصاد را بتوانند افزایش و در نتیجه از رشد اقتصادی برخوردار باشند. بنابراین افزایش در تولید منجر به افزایش در اشتغال هم برای زنان و هم برای مردان خواهد شد. بنابراین می‌توان انتظار

<sup>1</sup> آزمون‌های مربوط به خوبی برازش مدل حاکی از آن است که مدل از نظر قدرت توضیح‌دهندگی مشکلی ندارد (به پیوست مراجعه شود).

<sup>2</sup> از نظر تکنیکی، یکی از دلایل استفاده از شکل لگاریتمی یک متغیر (در اینجا مخارج کل) در مدل این است که واریانس این متغیر کاهش یابد تا دقت و قدرت توضیح‌دهندگی مدل بالا رود. علاوه بر این وقتی متغیر توضیحی بصورت لگاریتمی باشد، تفسیر ضریب آن آسانتر خواهد بود.

داشت که در صورت وجود رشد اقتصادی، فرصت‌های شغلی هم برای زنان و هم مردان افزایش خواهد یافت ولی اثر آن بر اشتغال مردان بیشتر است.

با توجه به اینکه آمار مربوط به تجربه کاری برای اقتصاد ایران وجود ندارد، لذا می‌توان از سن سرپرست خانوار، Age، به عنوان یک تقریب از آن استفاده کرد. معمولاً چون تجربه کاری در طول زمان زیاد می‌شود ولی پس از گذشت زمان، با پیشرفت تکنولوژی اثر آن کاهش می‌یابد، این متغیر به صورت یک تابع درجه دوم وارد مدل می‌شود. نتایج نشان داده است که سابقه‌ی (یا تجربه‌ی) کاری دارای اثرات مثبت و معنی‌دار بر شانس شاغل بودن سرپرست خانوار می‌باشد. بعلاوه، چون ضریب متغیر  $Age^2$ ، منفی و از نظر آماری در سطح 5 درصد معنی‌دار است، لذا این اثر خطی نیست و به صورت یک سهمی درجه‌ی دوم دارای ماکزیمم است. به عبارت دیگر نقش تجربه‌ی کاری تنها تا یک حدی می‌تواند شانس شاغل بودن سرپرست خانوار را افزایش دهد و از آن حد به بعد اثر آن کاهش می‌یابد. بنابراین تجربه کاری به صورت U برعکس، شانس شاغل بودن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

از نظر آماری معنی‌دار نبودن ضریب متغیر مربوط به نحوه‌ی تملک خانه، Residence، بیانگر این است که نوع تملک مسکن تأثیری بر شانس اشتغال سرپرست خانوارهای شهری ندارد. بر اساس ضریب متغیر Sex، جنس سرپرست خانوار از نظر آماری در سطح 5 درصد معنی‌دار است و لذا جنسیت بر شانس شاغل بودن او موثر است. به عبارت دیگر با ثبات سایر عوامل، اگر سرپرست خانوار مرد باشد، شانس شاغل بودن او افزایش خواهد یافت. بر اساس معنی‌دار نبودن ضریب متغیر Degree در سطح 5 درصد، تحصیلات دانشگاهی به ظاهر بر شانس شاغل بودن سرپرست خانوار تأثیری ندارد. اما با لحاظ کردن متغیر جنسیت همراه با تحصیلات، بر اساس نتایج بدست آمده، ضریب منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار Sex\*Degree بیانگر این است که تحصیلات دانشگاهی می‌تواند احتمال شاغل شدن زنان سرپرست خانوار را نسبت به مردان سرپرست خانوار افزایش دهد. به عبارت دیگر اگرچه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند، اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیش‌تری برای شاغل شدن نسبت به مردان خواهند داشت و لذا نقش و سهم اقتصادی آنها در اقتصاد افزایش خواهد یافت. نتایج این بخش با تحلیل‌های صورت گرفته در مطالعه عوضعلی‌پور و دیگران (1388) نیز هماهنگ می‌باشد. بعلاوه در این بخش نشان

داده شد که رشد اقتصادی اثر مثبت بر شانس اشتغال سرپرستان دارد. بنابراین با فرض وجود رشد اقتصادی می توان مطمئن بود که افزایش سطح تحصیلات زنان سرپرست خانوار، شانس آنها را برای کسب فرصت های شغلی ایجاد شده افزایش خواهد داد بدون اینکه خللی بر وضعیت اشتغال سرپرستان مرد خانوار وارد شود. بنابراین نقش زنان در اندازه تولید ناخالص کشور افزایش خواهد یافت. اما در صورتی که رشد اقتصادی ناچیز باشد، ممکن است که افزایش اشتغال زنان سرپرست دارای تحصیلات منجر به کاهش شانس اشتغال مردان سرپرست شده و نقش زنان بر اندازه تولید ناخالص کشور مجدداً کم ارزیابی شود.

همچنین، چون ضریب  $Marital$  از نظر آماری در سطح 5 درصد معنی دار نمی باشد، لذا در مدل حاضر به نظر می رسد که تفاوتی بین خانوارهای دارای همسر با خانوارهای بدون همسر در پیدا شدن شغل برای سرپرست خانوار وجود ندارد. اما ویژگی این مدل در این است که می تواند این موضوع را به صورت جزئی تر مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر، بر اساس ضریب مثبت و معنی دار متغیر  $Sex*Marital$ ، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر از شانس بیشتری برای یافتن شغل برخوردارند. بعلاوه، ضریب معنی دار این متغیر ( $Sex*Marital$ ) پیام های دیگری نیز دارد. به عبارت دیگر، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر و نیز خانوارهای با سرپرست زن بدون همسر نیز از شانس بیشتری برای یافتن شغل برخوردارند.

بر اساس ضریب مثبت و معنی دار متغیر  $C\_OR\_M$ ، خانوارهایی که دارای وسیله نقلیه شخصی می باشند (موتور سیکلت یا اتومبیل شخصی)، احتمال بیش تری برای شاغل بودن سرپرست آنها وجود دارد.

جدول 5: عوامل مؤثر بر شاغل بودن سرپرست یک خانوار شهری

متغیر	برآورد ضریب	سطح معنی داری
C	-2,7	0,0
LOG(TEXP)	0,22	0,0
SEX	1,5	0,0
Size	0,06	0,0
RESIDENCE	-0,03	0,6
AGE	0,04	0,01
AGE^2	-0,0004	0,0
DEGREE	0,28	0,3
SEX*DEGREE	-0,61	0,04
SEX*MARITAL	1,6	0,0
MARITAL	0,05	0,8
C_OR_M	0,2	0,0

منبع: محاسبات تحقیق

به طور خلاصه، افزایش شانس زنان سرپرست خانوار شهری دارای تحصیلات دانشگاهی برای شاغل شدن، خود یکی از علامت‌های بسیار مهم برای سیاست‌گذاران می‌تواند به شمار آید. به عبارت دیگر نتایج حاکی از آن است که اقتصاد توانسته است موقعیت‌های اشتغال را برای زنان دارای تحصیلات عالی فراهم آورد که این امر خود می‌تواند یکی از دستاوردهای حاصل از سیاست‌های صورت گرفته در طی دهه‌ی گذشته باشد. بنابراین از آنجائی که اشتغال مهمترین عامل در کاهش فقر و سایر آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آید، لذا به نظر می‌رسد که جدیت بیش‌تر در امر تحصیلات دختران و زنان و فراهم ساختن امکانات جدید برای اشتغال آنها در سال‌های آتی، راهی برای یکسان سازی فرصت‌های شغلی زنان و مردان و افزایش رفاه اجتماعی به شمار آید.

### 5- نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

آشنایی با ساختار سنی زنان فعال از نظر اقتصادی و چگونگی توزیع آنها در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند تصویری از مشارکت زنان در اقتصاد ایران و بازار کار را ارائه نماید. در ارتباط با برآورد اهمیت نقش اقتصادی زنان در خانوارهای شهری در سال 1385، نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در اکثر گروه‌های سنی سرپرست خانوار، خانوارهای با سرپرست مرد

بدون همسر و دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن بدون همسر و دارای همسر، به طور میانگین سهم بیش تری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص داده‌اند. این نتایج بر اساس تعداد افراد خانوار، بیانگر آن است که در کلیه‌ی خانوارهای 2 نفره تا 10 نفره و بیش تر به جز خانوارهای 5 نفره، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر همواره به طور متوسط سهم بیش تری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص داده‌اند. در بین خانوارهای تک نفره مرد و زن، به طور متوسط مردان و زنان با سواد نسبت به بی سواد سهم بیش تری از مخارج خوراکی خود را به غذاهای آماده اختصاص داده‌اند. همچنین زنان به طور متوسط نسبت به مردان در تمامی دوره‌های تحصیلی، سهم کمتری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص داده‌اند. در نهایت در بین خانوارهای تک نفره بر حسب وضع فعالیت، زنان به طور متوسط در همه‌ی اقسام طبقه‌بندی سهم کم تری از مخارج خوراکی را به غذاهای آماده اختصاص داده‌اند. این امر در مورد خانوارهای با سرپرست مرد و زن دارای همسر نیز قابل مشاهده است. نتایج بدست آمده در این بخش بیانگر نقش پنهان زنان ایرانی در تابع تولید خانوار و نقش فعالیت آنان در منزل می‌باشد. به عبارت دیگر نشان می‌دهد که نقش زنان، در زمینه‌ی ارائه قسمتی از تولید کالا و خدمات در منزل تا چه اندازه در تولید ناخالص داخلی کشور می‌تواند مؤثر باشد.

در نهایت نتایج بدست آمده از بررسی اثر جنسیت در قالب یک مدل لجستیک را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود:

در بررسی عوامل مؤثر بر شاغل بودن سرپرست یک خانوار شهری، نتایج حاکی از آن است که سطح درآمد خانوار و بعد خانوار دارای اثرات مثبت و معناداری بر شاغل بودن سرپرست خانوار است. تجربه‌ی کاری (سن سرپرست خانوار) نیز اثر مثبت و معناداری بر شانس مذکور دارد. این اثر به گونه‌ای است که تا یک حدی می‌تواند این شانس را افزایش دهد و از آن حد به بعد اثر آن کاهش می‌یابد. همچنین، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست مرد بدون همسر از شانس بیشتری برای یافتن شغل برخوردارند. بعلاوه، خانوارهای با سرپرست مرد دارای همسر نسبت به خانوارهای با سرپرست زن دارای همسر و خانوارهای با سرپرست زن بدون همسر نیز از شانس بیشتری برای یافتن شغل برخوردارند.

همچنین تحصیلات دانشگاهی می تواند احتمال شاغل شدن زنان سرپرست خانوار شهری را نسبت به مردان سرپرست افزایش دهد. به طور کلی بر اساس نتایج بدست آمده، اگر چه زنان سرپرست خانوار در حالت کلی نسبت به مردان سرپرست خانوار شانس کمتری برای شاغل بودن دارند، اما در صورتی که زنان سرپرست خانوار از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشند، شانس بیش تری برای شاغل شدن نسبت به مردان خواهند داشت و از این روی نقش بیش تری را در اقتصاد بازی خواهند کرد. در این راستا نباید فراموش کرد که رشد اقتصادی می تواند نقش اقتصادی زنان تحصیل کرده را افزایش دهد و در صورت عدم وجود رشد اقتصادی، ممکن است با جایگزین شدن زنان تحصیل کرده بجای مردان، این دو نوع نیروی کار بصورت جانشین هم قلمداد شده و اندازه تولید تغییری نکند. بنابراین سیاست های افزایش رشد اقتصادی موتور اصلی افزایش نقش زنان تحصیل کرده در اندازه اقتصاد رسمی به شمار می آیند.

## منابع و مأخذ

## الف: منابع و مأخذ فارسی

1. امین رشتی، ناریس (1375). بررسی وضعیت اقتصادی خانوارها با سرپرست زن، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
2. بررسی وضعیت زنان در ایران طی دوره‌ی 1385-1375 (1388). پژوهشکده‌ی آمار.
3. شرمین وود (1367) دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناختی. مصطفی ازکیا؛ تهران، انقلاب.
4. عوضعلی‌پور، محمدصادق. زندگی، فاطمه. و کاوند، حسین (تابستان 1388). "تحلیلی بر وضع نیروی کار و مشارکت اقتصادی زنان در ایران بر اساس سرشماری‌های 1375 و 1385". نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران 4 (7): 141-168.
5. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، 1375 و 1385.
6. مرکز آمار ایران، نتایج هزینه و درآمد خانوار، 1385.
7. ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان در ایران 1385-1375 (1389). مرکز آمار ایران.

## ب: منابع و مأخذ لاتین

1. Becker G.S, (1979). *The Economic Approach to Human Behavior*, The University of Chicago Press.
2. Becker, G.S. (1991). *A Treatise on the Family*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press
3. Cherlin, A.J. (2000). Toward a New Home Socioeconomics of Union Formation. In: Waite, L.J., Bachrach, C., Hindin, M., Thomson, E. and Thornton, A. (eds.). *The Ties that Bind – Perspectives on Marriage and Cohabitation*. Hawthorne, NY: Aldine De Gruyter: 126-144.
4. Farrar, Martha (2001). "Women's Contributions to the Workforce: Are New Measures Needed?". United States, Department of Agricultural Statistics Service.
5. Gujarati, (2004). *Basic Econometrics*, Fourth Edition, The McGraw-Hill Companies.
6. Losindilo E., Mussa A., Akarro R., (2010) "Some Factors That Hinder Women Participation in Social, Political and Economic Activities in Tanzania". *Arts and Social Sciences Journal* Volume 2010: ASSJ-4.

7. Yakubu A. (2010). "Factors Influencing Female Labor Force Participation in South Africa in 2008". The African Statistical Journal Volume 11, November.
8. Yurovich L. (2010). "Men's and women's economic activity and first marriage: Jews in Israel, 1987-1995". Demographic Research Volume 22, Article 29.

پیوست:

Dependent Variable: ACTIVITY

Method: ML - Binary Logit (Quadratic hill climbing)

Date: 02/05/12 Time: 10:21

Sample: 1 14175

Included observations: 14175

Convergence achieved after 6 iterations

Covariance matrix computed using second derivatives

Variable	Coefficient	Std. Error	z-Statistic	Prob.
C	-2.796751	0.700008	-3.995314	0.0001
LOGEXP	0.223366	0.039449	5.662194	0.0000
SEX	1.483505	0.164499	9.018307	0.0000
SIZE	0.056508	0.015244	3.706778	0.0002
RESIDENCE	-0.033989	0.068364	-0.497173	0.6191
AGE	0.042400	0.012925	-3.280390	0.0010
AGE^2	-0.000409	0.000123	-3.315387	0.0009
DEGREE	0.283213	0.293076	0.966347	0.3339
SEX*DEGREE	-0.615457	0.299464	-2.055195	0.0399
SEX*MARITAL	1.648972	0.254211	6.486626	0.0000
MARITAL	0.052505	0.216184	0.242872	0.8081
C_OR_M	0.197015	0.054676	3.603315	0.0003
McFadden R-squared	0.339703	Mean dependent var		0.737566
S.D. dependent var	0.439973	S.E. of regression		0.342881
Akaike info criterion	0.761810	Sum squared resid		1665.110
Schwarz criterion	0.768210	Log likelihood		-5387.331
Hannan-Quinn criter.	0.763939	Deviance		10774.66
Restr. deviance	16317.90	Restr. log likelihood		-8158.950
LR statistic	5543.238	Avg. log likelihood		-0.380059
Prob(LR statistic)	0.000000			
Obs with Dep=0	3720	Total obs		14175
Obs with Dep=1	10455			

Expectation-Prediction Evaluation for Binary Specification						
Equation: EQ01						
Date: 02/04/12 Time: 18:15						
Success cutoff: C = 0.5						
	Estimated Equation			Constant Probability		
	Dep=0	Dep=1	Total	Dep=0	Dep=1	Total
P(Dep=1)<=C	2050	634	2684	0	0	0
P(Dep=1)>C	1670	9821	11491	3720	10455	14175
Total	3720	10455	14175	3720	10455	14175
Correct	2050	9821	11871	0	10455	10455
% Correct	55.11	93.94	83.75	0.00	100.00	73.76
% Incorrect	44.89	6.06	16.25	100.00	0.00	26.24
Total Gain*	55.11	-6.06	9.99			
Percent Gain**	55.11	NA	38.06			
	Estimated Equation			Constant Probability		
	Dep=0	Dep=1	Total	Dep=0	Dep=1	Total
E(# of Dep=0)	2061.11	1658.89	3720.00	976.25	2743.75	3720.00
E(# of Dep=1)	1658.89	8796.11	10455.00	2743.75	7711.25	10455.00
Total	3720.00	10455.00	14175.00	3720.00	10455.00	14175.00
Correct	2061.11	8796.11	10857.21	976.25	7711.25	8687.51
% Correct	55.41	84.13	76.59	26.24	73.76	61.29
% Incorrect	44.59	15.87	23.41	73.76	26.24	38.71
Total Gain*	29.16	10.38	15.31			
Percent Gain**	39.54	39.54	39.54			
*Change in "% Correct" from default (constant probability) specification						
**Percent of incorrect (default) prediction corrected by equation						